

## فقدان درک از «جهاد» و «جهادی» یکی از عوامل بحران کنونی!

کلمه «جهاد» را بیشترین همه ما از زبان «ملاها» شنیده ایم. پیوستن به همچو حرکات و اقدامات، به پیروی از «فتوی» های آنها برای اهداف معینه بوده است، که بیشتر «جهاد در راه حق»، «جهاد فی سبیل الله» و «جهاد کبیر»، «جهاد مقدس» و غیره تعریف می گردید. روزی یک هموطن افغان حکایت نمود، که یکی از دفاتر ترجمانی خارجی، درین اواخر با ترجمه یک سند، بمشکل روبرو گردیده بود، گفته می شد، که دارنده سند رسمی، آن سند را در زمان بعد از حاکمیت «تنظیم های جهادی» در افغانستان، دریافت داشته است. زیرا در زبان آنها، با این شغل و «مهارت کاری» کدام کلمه «معادل» در فرهنگ زبان خود، نمی یافته است. البته در مطبوعات جهان ممکن زمانی اصطلاح «الجهاد» را مطالعه کرده باشند، که از دید آنها، منسوب به سازمان «افراطی» در جهان عرب تشخیص گریده بود. درین سند، که گفته می شد، بشکل «کارت هویت» کدام «ارگان دولتی»، گمان می رود که ارگان که ارگان نظامی بوده، ترتیب یافته بود، در ستون «شغل» یا «حرفه»، کلمه «جهادی» ثبت بوده است.

وقتی بیانیه اخیر رئیس جمهور افغانستان را مرور نمودم، می توان چنان انتباه گرفت که ممکن شغل تعریف شده «رئیس جمهور» را استعداد خدا داد فامیلی دانسته باشند، بنابر افکار و سیستم حقوقی «سلطنت میراثی»، همچو مقام را به نحوی، شاید شایسته اعضای فامیل خود تعریف نموده باشند، مرا به این فکر مشغول ساخت، تا کمی در مورد بیندیشم، زیرا قبل از آن اطلاع یافتیم که یکی از برادرانش که در رسوائی «کابل بانک»، نام وی در پهلوی نام برادر معاون اولش زبان زد خاص و عام گردیده است، خبر کاندید شدن «قیوم کرزی برادر بزرگ اش» را برای این مقام اعلان داشت. در مورد کاندید وی هیچ حرفی ندارم، زیرا این حق هر تبعه است، وقتی در خود چنین ظرفیت و توان را می بیند و کاندید می شود، حق ایشان است. اتباع مستحق «رأی»، هم فقط حق دارند، یا «رأی» بدهند و یا «رأی» ندهند. لیکن وقتی به نحوه جریان «انتخابات» خود ایشان توجه شود، که در سابق چگونه «رأی» برده است، با شناختی که از جامعه ما داریم، کم محتمل خواهد بود، که فضای انتخاباتی را برای برادرش، با موضعگیری قاطع در برابر کسانی در جامعه متهم به زور گوئی، غصب اموال و املاک مردم اند، بد تر سازد. قبل از آنکه روی مسائل آینده روشنی انداخته شود، حال به این جمله در بیانیه اخیر ایشان توجه نمائید که جناب رئیس جمهور اوضاع گذشته کشور ما و همچنان اوضاع گذشته جهان را چگونه خلص بیان داشته اند:

«... هموطنان عزیز افغانستان بعد از حمله و اشغال شوروی سابق از یکطرف جهاد کرد و برای آزادی وطن، برای بلندی و نگهداشت دین، عنعنه، رسم و رواج خود قربانی داد و به منظور و هدف جهاد، به میلیون ها انسان مهاجر گردیدیم و تقریباً دو میلیون شهید دادیم. شوروی سابق شکست کرد، افغانستان آزاد شد ولی متأسفانه ثمره آزادی خود را ندیدیم، دیگران در جهان همگی دیدند. جرمی دو تقسیم شد و سپس یک ملت واحد گردید...».

به این «سلاد» یا «سلاته» مخلوط کلمات می توان کتاب نوشت. صرف نظر از آنکه آیا «شوروی دیگری هم وجود داشته است که ایشان، تأکید بر کلمه گذشته می کنند، چه بسی افسانه ها هم ترتیب شده می توانند. اولاً درست است، که «هموطنان عزیز افغانستان بعد از حمله و اشغال شوروی سابق از یکطرف جهاد کرد...»، عده کثیری که از آنها طوریکه می فرمایند: «تقریباً دو میلیون شهید دادیم»، به شهادت رسیدند. ممکن کسانی هم در جمله شامل بوده باشند، که ممکن بنابر معتقدات مذهبی، و یا عشق پاک با وطن و ناموس، «شهادت» را آرزو داشته اند. و این هم ممکن بوده می تواند که نمی دانسته اند، که «این اخوان» هم رزم آنها، با بازماندگان شهیدان، چون اطفال، زنان و پیر مردان پس از «شهادت» آنها، چه برخورد خواهند کرد.

وقتی رئیس جمهور حامد کرزی خود، می گویند «... ولی متأسفانه ثمره آزادی خود را ندیدیم...»، آیا این ادعا دقیق است؟ کی «ثمره ندید»؟ آیا زمانی که «کابینه او بعد از کنفرانس «بین» در «دسمیر» ۲۰۰۱ میلادی، در نخستین روز ها و یا احتمالاً ماه ها، پس اشغال کرسی، زمین های ساحه «شیر پور» شهر کابل را بطور نمونه که بعنوان ملکیت «وزارت دفاع کشور» از سالیان دراز، از زمان سلطنت شناخته می شد، «بدون اطلاع» و

«بدون درک خودش»، بین حلقه فساد افزا تقسیم نگردید؟، که بعد به سرکرده آن باید، نخست «لقب مارشال» تفویض می گردید و متعاقباً، چوکی وزارت دفاع را از وی می گرفت. کدام فقره را، ذکر کنم، در صورتیکه برخی از مقامات رسمی خود آنها، مشکلات بزرگ در جمع بندی لیستهای وقایع دارند. از طریق مراجع قانونی، وظایف خود را انجام داده نمی توانند، به مطبوعات و «انترنت» پناه می برند.

آیا خود بیاد ندارند، که هموطنان بی خانه ما از دهه ها قبل، در آن ساحه، خانه های محقر «گلی» خارج از نقشه ساخته بودند، تا بامی بالای سر، در محل نشیمن خویش داشته باشند، رژیم سلطنت برای آنها، شرطی را وضع نموده بود، در صورتیکه روزی «وزارت دفاع» به آن نیاز داشته باشد، خانه های مذکور تخریب خواهند شد. جریان «دراماتیک» را در مطبوعات و تلویزیون ها، همه مشاهده کردند، که یک مقام وزارت داخله، امر صادر نمود تا با وسایل ثقیل، خانه ایرا در حالی ویران نمایند، که خانواده فقیر با زن و اطفال در حال نوش جان کردن، ناشتای صبح بوده اند. آیا این ضرورت وزارت دفاع بوده است؟ توزیع همچو ملکیت دولت از صلاحیت کدام مراجع است؟

سخنگوی وزارت داخله، با کمال «غرور» گفت، «رهبران ما جهاد کرده اند، حق دارند، زمین برای خانه داشته باشند». مردم آگاه کابل، برای این محل تاریخی شهر کابل، وقتی این «رهبران جهاد» «قصر ها» ساختند، به آن نام غیر رسمی «شیر چور» گذاشتند. جناب رئیس جمهور اینک بعد از یازده سال خود اعتراف می نماید: «... فساد په دې خاوره کې اوج ته رسیدلی دی، د خلکو د جایداد غصب، د حکومت د جایداد غصب، مردم ازاري...» آیا همچو اظهارات پس از ده سال شایستگی آنرا دارد که جدی قبول شود. آیا در مدت کمی که از دوره رسمی کار ایشان باقی مانده است و در آستانه آمادگی قوای خارجی که نه بحران خاتمه یافته است و نه سیستم قضائی «مستقل» سالم و فعال دارد، فساد هم روز افزون هنوز هم در حال رشد است، درین مدت کدام عادت تغییر خواهد یافت؟

آنچه نه کمتر تعجب آور است که رئیس جمهور، در بیانیه ایشان که در «پراگراف» بالائی، نقل شده است، «جهاد» مردم افغانستان را در برابر «... اشغال شوروی سابق...»، که «... برای آزادی وطن...» خوانده است، شکایت دارد که «... افغانستان آزاد شد ولی متأسفانه ثمره آزادی خود را ندیدیم، دیگران در جهان همگی دیدند چرمنی دو تقسیم شد و سپس یک ملت واحد گردید...» طوریکه قبلاً ذکر شد، درین جملات یک عالمی از مفاهیم و خلا های درک درست قابل سؤال موجود اند، که به وقت و گنجایش کافی در مقاله نیاز است.

مقایسه «جهاد» مردم افغانستان را با «جنگ دوم جهانی» که «نازی های آلمان تحت فرماندهی «ادولف هیتلر» آغاز نموده اند، در یک ردیف آوردن، خود یک عیب بزرگ شناخته می شود که از تاریخ جهان و تاریخ ملت آلمان برملا می گردد. فقط همینقدر تذکر می دهم، که آیا جنگی را که «هیتلر» آغاز نمود، «جهاد» بوده است؟ و آیا برای آزادی خاک خود از اشغال بیگانه آغاز کرده بودند؟ خاک او اشغال شده بود و یا او در پی اشغال خاک دیگران کرده قدم برداشته بود؟ بیش از ۵۰ میلیون انسان جان های خود را در همه کشور ها از دست دادند. رقم بزرگ در «شوروی».

«فاشیزم آلمان متجاوز» بود، ختم جنگ را که به «چهار زون» اشغالی انجامید، ملت آلمان و رهبران صاحب عزت آنها، از «پیروزی متحدین ضد هیتلر» استقبال نمودند. با تأسیس محکمه معروف «نیورنبرگ»، صفحه معینی از محاکمه بین المللی باز گردید و کمیتی از «مجرمین» جنگ را محکوم و قسمتی از مسایل ضد بشری را برسی نمودند، که تفصیل درینجا نمی گنجد.

ولی برای خوانندگان محترمی که به همچو مطالب دستری نداشته بوده باشند، سالهای بعد از ختم جنگ دوم جهانی را که اینک ۶۷ سال سپری شده است، در رابطه با پروسه «اعمار مجدد» و خدمت رهبران ملت آلمان برای مردم آن، فقط یک نمونه کوچکی را که در «فلم های مستند تاریخی» می توان دید، با آنچه بطور نمونه، با باشندگان ساحه «شیر پور» و حال «شیر چور»، مقایسه شود حکایت نمایم. این مقایسه را بمثابة مشت نمونه خروار اجازه می خواهم.

رهبران آنوقت، موازی با کمک های وسیع «پلان مارشال» - امریکائی، برای اعمار کشور خود، در نخستین روز ها، همه خانه های مسکونی و ساختمانهای سالمیکه از جنگ مانده بود، اتباع بدون سر پناه را در هر محل و شهر جابجا می نموده اند. نخست در هر اپارتمان و خانه، بتعداد یکه اطاق موجود بوده است، به همان تعداد فامیل ها را با زنان و اطفال، جا بجا نموده بودند، یعنی یک اطاق یک فامیل، متباقی همه امکانات دیگر مشترک. برای مردم خود در برابر کار، در ایام اول ختم جنگ، غذای پخته می داده اند، این غذای یکنوع، «سوپ عدس» شهرت داشته است و گاهی هم با «ساسچ» مخصوص جوش داده شده در همچو «سوپ». کار آغازین آنها اعمار مجدد خانه های

مسکونی و فابریکات بوده است. زنان و نوجوانان خشت های پخته تعمیراتی را از میان خرابه ها، جدا و برای دوباره استفاده از آن در تعمیرات ایکه باید دوباره اعمار می گردید، کار می گرفتند. به نسبت از دست دادن ارزش پول «رایش»، در برابر کار اضافی، از «سگریت» بحیث پول کار می گرفته اند. در کشور ما نیز مردم با از دست دادن قدرت خرید پول افغانی صدمه دیدند. حکومت انتقالی تحت ریاست همین رئیس جمهور، بکمک حامیان خارجی آن «ریفرم» آوردند، که موضوعی است جداگانه.

حال هموطنان ما باید خود ببینند، که چه تفاوتی در بین «قصر نشینان کابل»، «رهبران جهادی» و «مهاجرین» عودت کننده، بخصوص از کمپ های پاکستان و ایران وجود دارد. بطور نمونه می توانند کسانی را در نظر بگیرند که در نتیجه ویران شدن خانه های آنها، در ادامه جنگ داخلی همان «مجاهدین» هنوز هم، در خرابه های، ویران شده در جنگ داخلی، «جهادی ها» بسر می برند. باشندگان «چهار راهی قمبر» که گفته می شود از ولایت «هیلمند» فرار کرده اند، حالت استثنائی دارند، که فقط اخبار مصیبت های روز آنها، گاه گاه در «انترنت» بیشتر بشاهده می رسد.

از آنجائیکه اصطلاح «جهاد» از جانب مسلمانان بزبان آورده می شود، بدون شک از زبان عربی گرفته اند، فقط برای اینکه هر یک از ما مسلمانان، تصور مقایسوی داشته باشیم، که همه مسلمانان در قطار «افراطیون» قرار ندارند، درینجا، معلومات چند، احصائیوی را جمع آوری نموده ام که فقط جهت تسهیلات به خوانندگان محترم تقدیم می دارم:

در آستانه تغییر سال ۲۰۱۱ میلادی به ۲۰۱۲، نفوس جمعی انسان در کره خاکی ما، ۷،۰۱ میلیارد انسان به نشر سپرده شده است. (ویکیپدیا). از جمله پیروان دین اسلام بر اساس همین منبع، ۱،۵۷ میلیارد تخمین گردیده است. پیروان عیسویت با تمام شاخه های آن، در همین منبع ۲،۲۶ میلیارد یاد شده است. از جهت احصائیوی، پس ازین دو دین متذکره از پیروان «هندوئیزم» با نفوس ۹۰۰ میلیون تذکر رفته است. در جمله همه ادیان و مذاهب، ادیان آسمانی چون «یهودیت»، «عیسویت» و «اسلام» به «وحدانیت خداوند» معتقد اند، با تفاوت های معین، نظیر اختلاف نظر بین «کاتولیک» و «پروتستان» در «عیسویت»، تا حدی جهت و ریشه عقیدتی، یکی است. بدینترتیب همین سه گروه بزرگ، «عیسویت»، «اسلام» و «هندوئیزم» جمعاً رقم ۳،۹۸۳ میلیارد (تقریباً ۵۶،۸۲ فیصد) را می سازد، که بدینترتیب، اضافه از نیم رقم مجموعی نفوس کلی جهان را در بر می گیرند. درین رقم فیصدی، مسلمانان ۲۲،۴۰ فیصد، عیسوی ها ۳۲،۲۴ فیصد و هندوها ۱۲،۸۴ فیصد تمام نفوس دنیا را تشکیل می دهند.

ختم